42216 ـ عصمت پیامبران

سوال

سوالی درباره‌ی عقیده دارم؛ آیا عقیده‌ی ما چنین است که پیامبران نیز دچار گناه می‌شوند و معصوم نیستند؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

پیامبران برگزیده‌ی انسان‌ها و گرامی‌ترین آفریدگان نزد الله هستند که آنان را برای تبلیغ دعوت لا اله الا الله برای مردم انتخاب کرده تا در تبلیغ شرایع الهی، واسطه‌ای میان او و بندگان باشند. آنان مامور به رساندن پیام‌های الله متعال هستند چنانکه می‌فرماید: أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلاء فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُواْ بِهَا بِكَافِرِينَ [انعام/ ۸۹] (آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم؛ پس اگر اینان (مشرکان) بدان کفر ورزند، بی‌گمان گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند).

وظیفه‌ی پیامبران، رساندن پیام‌های الله تعالی است، با وجود آنکه خود بشرند؛ بنابراین، آنان در مورد عصمت بر دو حال هستند:

۱ـ عصمت در تبلیغ دین.

۲ـ عصمت از اشتباهات بشری.

نخست: درمورد عصمت در تبلیغ دین؛ پیامبران در رساندن دین خداوند معصومند؛ یعنی چیزی از وحی پروردگار را کتمان نمی‌کنند و از نزد خود چیزی به آن نمی‌افزایند. الله متعال خطاب به پیامبرش ﷺ می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ [مائده/ ۶۷] (ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده را ابلاغ کن، و اگر نکنی پیامبرش را نرسانده‌ای و الله تو را از [گزند] مردم در امان می‌دارد).

و می‌فرماید: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ [حاقه/ ۴۴-۴۷] (و اگر [او] پاره‌ای از گفته را [به دروغ] بر ما بسته بود دست راستش را سخت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد).

همچنین می‌فرماید: وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ [تکویر/ ۲۴] (و او در [رساندن] امر غیب، بخیل نیست). شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ـ رحمه الله ـ در تفسیر این آیه می‌گوید: و او نسبت به آنچه به سوی وی وحی شده، بخیل نیست تا قسمتی از آن را بپوشاند، بلکه او امین اهل آسمان و زمین است که پیام‌های پروردگارش را به واضح‌ترین شکل ابلاغ نموده و درباره‌ی رساندن هیچ بخشی از آن بخل به غنی و فقیر و رئیس و زیردست و مرد و زن و شهرنشین و صحرانشین، بخل نورزیده؛ به همین سبب هست که خداوند او را در امتی بی‌سواد و جاهل برانگیخت، اما از دنیا نرفت مگر آنکه همان بی‌سوادان تبدیل به علمای ربانی شدند....

بنابراین، پیامبر در تبلیغ دین و شریعت پروردگار هرگز دچار هیچ اشتباهی ـ کوچک یا بزرگ ـ نمی‌شود بلکه همیشه از سوی پروردگار معصوم است.

شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «همه‌ی مسلمانان بر این متفق هستند که پیامبران ـ به ویژه محمد ـ از اشتباه در تبلیغ رسالت الله عزوجل معصوم هستند. الله متعال می‌فرماید: وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى [نجم/ ۱ـ۵] (سوگند به ستاره چون فرود می‌آید [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن جز وحیی نیست که [به او] وحی می‌شود. آن را [فرشته‌ی] بس نیرومند به او فرا آموخت).

بر این اساس، پیامبر ما محمد در هر چه از سوی الله ابلاغ می‌کند ـ گفتار و کردار و تقریر ـ معصوم است و در این باره میان علما اختلافی نیست» فتاوی ابن باز (۶/ ۳۷۱).

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: آیات دال بر نبوت پیامبران نشان دهنده‌ی این است که پیامبران در اخباری که از سوی الله عزوجل می‌آورند معصومند و جز حق نمی‌گویند و این معنای نبوت و متضمن آن است که خداوند غیب را به پیامبرش می‌گوید و پیامبر نیز غیب را به مردم می‌گوید و رسول مامور به دعوت مردم و رساندن پیام‌های پروردگار به آنان است مجموع الفتاوی (۷/ ۱۸).

دوم: در مورد آنچه به عنوان یک انسان (نه پیامبر) از آنان سر می‌زند، چند حالت وجود دارد:

۱ـ عدم ارتکاب گناهان کبیره: پیامبران ـ چه پیش از بعثت و چه پس از آن ـ از انجام گناهان کبیره معصوم هستند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: این عقیده که پیامبران از گناهان کبیره ـ نه صغیره ـ معصوم هستند، عقیده‌ی اکثر علمای اسلام و همه‌ی طوایف است... و این قول همچنین قول اکثر علمای تفسیر و حدیث و فقها است و بلکه از سلف و امامان و صحابه و تابعین و پیروانشان جز آنچه در توافق با این قول است، نقل نشده مجموع الفتاوی (۴/ ۳۱۹).

۲ـ مسائلی که به تبلیغ رسالت و وحی مربوط نیست.

اما گناهان صغیره امکان دارد از آنان یا برخی از آنان سر بزند. به همین سبب اکثر اهل علم بر این رای هستند که آنان از گناهان صغیره معصوم نیستند و اگر هم مرتکب آن شوند کارشان با سکوت مورد تایید قرار نمی‌گیرد بلکه الله تبارک و تعالی آنان را هشدار می‌دهد و فورا از آن توبه می‌کنند.

دلیل وقوع گناهان صغیره از پیامبران با وجود عدم سکوت و اقرار پروردگار، این سخن الله متعال درباره‌ی آدم است که می‌فرماید: وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى [طه/ ۱۲۱ـ۱۲۲] (و آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سپس پروردگارش او را برگزید و او را ببخشود و [وی را] هدایت کرد). این آیه دلیلی است بر وقوع گناه از آدم ـ علیه الصلاة والسلام ـ و عدم تایید کار او از سوی الله با وجود توبه‌ی او.

این سخن پروردگار متعال که می‌فرماید: قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [قصص/ ۱۵-۱۶] (گفت این از کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است. گفت پروردگارا من بر خویشتن ستم کردم پس مرا ببخشد. پس الله او را آمرزید؛ همانا او آمرزنده‌ی مهربان است). موسی ـ علیه الصلاة والسلام ـ پس از آنکه آن مرد قبطی را کشت، به گناه خود اعتراف کرد و از الله درخواست آمرزش نمود و الله نیز گناهش را آمرزید.

این سخن الله سبحانه و تعالی: فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ [ص/ ۲۴-۲۵] (پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو در افتاد و توبه کرد. پس این [ماجرا] را بر او بخشودیم و در حقیقت برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواه بود). گناه داود این بود که پیش از شنیدم طرف دوم دعوا عجله کرده و رای صادر کرده بود.

این پیامبر ما محمد است که پروردگارش سبحانه و تعالی درباره‌ی برخی مسائل که در قرآن نیز آمده ایشان را مورد عتاب قرار داده از جمله:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [تحریم/ ۱] (ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را الله برایت حلال گردانیده حرام می‌کنی [در حالی که] الله آمرزنده‌ی مهربان است). که سبب آن داستان مشهوری است که با برخی از همسران ایشان رخ داد.

همینطور عتاب ایشان توسط پروردگار در قضیه‌ی اسرای بدر:

مسلم در صحیح خود (۴۵۸۸) روایت کرده ابن عباس گفت: وقتی اسیران را گرفتند، رسول الله به ابوبکر و عمر ـ رضی

الله عنهما ـ فرمود: نظرتان درباره‌ی این اسیران چیست؟ ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا! آنان عموزادگان و عشیره‌ی ما هستند. نظر من این است که از آنان فدیه بگیری و این باعث قدرت گرفتن ما بر کافران شود؛ چه بسا الله آنان را به اسلام هدایت کند. سپس رسول الله ﷺ فرمود: نظر تو چیست ای فرزند خطاب؟ گفت: نه به خدا سوگند ای پیامبر خدا ﷺ نظر من مانند ابوبکر نیست. رای من چنین است که اکنون که بر آنان قدرت یافته‌ایم گردنشان را بزنیم، عقیل را به علی بسپاری تا گردنش را بزند و فلان (یکی از اقوام عمر) را به من بسپاری تا گردنش را بزنم.زیرا اینان امامان کفر و سران آن هستند. پس رسول الله ﷺ به رای ابوبکر مایل شد و رای مرا نپذیرفت. فردا که نزد ایشان آمدم دیدم رسول الله ﷺ و ابوبکر نشسته‌اند و گریه می‌کنند. گفتم: ای پیامبر خدا! بگو شما و دوستت برای چه گریه می‌کنید تا اگر گریه‌ام می‌آید بگریم و اگر نه، برای گریه‌ی شما خود را به گریه بزنم؟! رسول الله ﷺ فرمود: برای نظری که دوستانت درباره‌ی گرفتن فدیه دادند، می‌گریم. عذابی [که قرار بود برای این کار بر آنان نازل شود] را در نزدیکی همین درخت به من نشان دادند سپس الله عزوجل این آیات را نازل کرد: مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللّهُ يُرِيدُ الآخِرَةَ وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ لَّوْلاَ كِتَابٌ مِّنَ اللّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلاَلاً طَيِّبًا [انفال/ ۶۷ـ۶۹] (هیچ پیامبری را سزاوار نیست که [برای گرفتن فدیه از دشمنان] اسیرانی بگیرد تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند. شما متاع دنیا را می‌خواهید و آلله آخرت را می‌خواهد و الله شکست‌ناپذیر حکیم است. اگر در آنچه گرفته‌اید از جانب الله نوشته‌اید نبود، قطعا به شما عذابی بزرگ می‌رسید. پس از آنچه به غنیمت برده‌اید حلال و پاکیزه بخورید...) و غنیمت را بریشان حلال گرداند.

بر اساس این حدیث مشخص شد که انتخاب گذشت از اسیران توسط پیامبر ﷺ امری اجتهادی از سوی ایشان و پس از مشورت با اصحاب بوده و نصی از سوی الله درباره‌ی آن وجود نداشته.

سخن پروردگار متعال درباره‌ی ایشان که می‌فرماید: عَبَسَ وَتَوَلَّى أَن جَاءهُ الْأَعْمَى [عبس/ ۱ـ۲] (چهره در هم کشید و روی گردانید، که آن مرد نابینا پیش او آمد) که داستان صحابی جلیل، عبدالله بن ام مکتوم با پیامبر ﷺ و عتاب ایشان ﷺ از سوی پروردگار است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید:

به طور کلی آنچه از جمهور علما نقل شده این است که آنان (یعنی پیامبران) از ارتکاب گناهان صغیره معصوم نیستند اما کارشان مورد تایید قرار نمی‌گیرد، و گفته نمی‌شود که [گناهان صغیره] هرگز از آنان سر نمی‌زند. نخستین طایفه‌ی امت که عصمت مطلق آنان را مطرح نمودند و در این مورد بیشتر پافشاری می‌کنند، رافضیان هستند، زیرا آنان حتی در مورد

فراموشی و اشتباه غیر عمد و تاویل اشتباه نیز معتقد به عصمت پیامبران هستند مجموع الفتاوی (۴/ ۳۲۰).

بعضی از مردم این را [که پیامبران هم دچار گناه صغیره شوند] بسیار بد می‌پندارند و به تاویل نصوص کتاب و سنت در این باره می‌پردازند و آن تحریف می‌کنند. علت این حساسیت دو شبهه است:

شبهه‌ی اول اینکه خداوند متعال دستور به پیروی از پیامبران و الگو گرفتن از آنان داده است. امر به پیروی از پیامبران مستلزم این است که هر آنچه از آن‌ها سر می‌زند الگو و قابل پیروی باشد و هر کردار و اعتقادی از سوی آنان طاعتِ پروردگار است. اگر جایز بدانیم که از پیامبر گناه سر بزند، تناقض پیش خواهد آمد زیرا باید در این صورت امر به پیروی از آن پیامبر همراه با سر زدن گناه یکجا شود، چرا که ما مامور به پیروی از او هستیم و در عین حال نباید از گناه او پیروی کنیم!

این شبهه در یک صورت درست بود، یعنی اگر گناهی که از پیامبر سر زده مخفی و نامشخص بود و امکان اشتباه آن با طاعت وجود داشت. [و مردم ندانسته از آن پیروی می‌کردند] اما خداوند متعال، پیامبران را به اشتباهشان آگاه کرده و به آنان هشدار می‌دهد و توفیق توبه‌ی فوری و بدون تاخیر به آنان عطا می‌کند.

شبه‌ی دوم اینکه: گناهان منافی کمال و عامل نقص هستند.

این شبهه هم در صورتی درست بود که پس از گناه توبه رخ نمی‌داد، چرا که توبه باعث مغفرت گناهان است و منافاتی با کمال ندارد و پس از توبه هیچ سرزنشی متوجه شخص نیست، بلکه چه بسا افراد پس از توبه کامل‌تر و بهتر از قبلِ آن و زمانی هستند که گناه را مرتکب نشده‌اند. واضح است که هیچ پیامبری دچار گناهی نشده مگر آنکه به سرعت رو به توبه و استغفار می‌آورند. انبیاء بر یک گناه باقی نمی‌مانند و توبه را به تاخیر نمی‌اندازند و خداوند آنان را از اینکار معصوم داشته و پس از توبه کامل‌تر از پیش از آنند.

۳ـ اشتباه غیر عمد در برخی امور دنیوی:

اما اشتباه در امور دنیوی با وجود کمال عقل پیامبران و سَداد رای و قدرت بصیرتِ آنان، امکان دارد و عملا نیز از برخی از آنان سر زده است، مانند پیامبر ما محمد ، و این اشتباه ممکن است در عرصه‌های مختلف زندگی مانند پزشکی و کشاورزی و مانند آن، رخ دهد.

برای نمونه، امام مسلم در صحیح خود (۶۱۲۷) از رافع بن خدیج روایت کرده که وقتی پیامبر به مدینه آمد آنان [یعنی مردم مدینه را دید که] نخل‌های خود را ایبار می‌کنند (یعنی خوشه‌ی درخت نر خرما را در خوشه‌ی درخت ماده‌ی خرما

می‌گذارند). پس فرمود: چکار می‌کنید؟ گفتند: این کاری است که همیشه انجام می‌دهیم. فرمود: شاید اگر اینکار را نکنید بهتر باشد. آنان نیز دست از تلقیح نخل کشیدند، اما خرمای نخل‌ها ریخت، یا کم شد (نخل‌ها کم ثمر شدند) پس موضوع را به ایشان گفتند. ایشان فرمودند: همانا من بشری بیش نیستم؛ هرگاه شما را به چیزی در دینتان امر کردم آن را بگیرید و هرگاه چیزی را از رای خود گفتم بدانید که من بشرم. بر این اساس دانستیم که پیامبران در امر وحی از اشتباه معصومند. اینجا به کسانی که در تبلیغ پیامبر شک وارد می‌کنند و تشریعات ایشان را اجتهادات شرعی می‌دانند، می‌گوییم: وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن جز وحیی نیست که [به او] وحی می‌شود).

از کمیسیون دائم فتوا پرسیده شده: آیا پیامبران و رسولان اشتباه می‌کنند؟

پاسخ:

بله؛ اشتباه می‌کنند اما خداوند متعال اشتباه آنان را تایید نمی‌کند بلکه از روی رحمت و مهربانی در حق آنان و امت‌هایشان اشتباه‌شان را تبیین نموده و لغزش آنان را بخشیده و توبه‌شان را از روی فضل و رحمت خود می‌پذیرد و الله آمرزنده و مهربان است، چنانکه این مطلب با پی‌گیری آیات قرآن که در این باب آمده، آشکار است».

فتاوای کمیسیون دائمی افتاء (۳/ ۱۹۴).

والله اعلم.